

آدم هاروی پل

ویسواوا شیمبورسکا

ترجمہی:
مارک اسموژنسکی . شہرام شیدایی . چوکا چکاد



فهرست

۱	درباره‌ی مترجم
۳	مختصری درباره‌ی شیمبورسکا
۵	پیش‌گفتار
۱۷	عشق در نگاه اول
۲۰	به هر حال
۲۲	روابط سَری با مُرده‌ها
۲۴	اعاده‌ی حیثیت
۲۷	راه‌آهن
۳۰	منظره‌ای با یک دانه شن
۳۳	بعضی‌ها دوست دارند شعر را
۳۵	بچه‌های این دور و زمانه
۳۸	امکانات
۴۱	بدون اغراق درباره‌ی مرگ
۴۴	سایه
۴۶	پایان و آغاز
۴۹	تشییع جنازه
۵۱	هیچ‌چیز دو بار اتفاق نمی‌افتد
۵۳	نفرت
۵۶	شب شعرِ یک شاعر
۵۸	مدینه‌ی فاضله

۶۰	رژه
۶۱	آدم‌ها روی پل
۶۴	دستپاچگی
۶۷	زیادی
۷۰	شکنجه
۷۳	پوشاک
۷۵	ستایش منفی بافی در مورد خود
۷۶	انقراض قرن
۷۹	بازار معجزه‌ها
۸۲	باستان‌شناسی
۸۵	پیاز
۸۷	خانه‌ی شخصیتی بزرگ
۹۰	در روز روشن
۹۲	سوار کشتی نوح شوید
۹۵	دستور مصرف
۹۷	داستانی که آغاز شده
۱۰۰	طفلیک بازیگوش
۱۰۳	گره‌ای در خانه‌ی خالی
۱۰۶	لبخندها
۱۰۸	شرح حال نویسی
۱۱۰	مزامیر
۱۱۲	زندگی کوتاه نیاکان ما
۱۱۵	کمدی
۱۱۸	آدم‌هایی
۱۲۰	آسمان
۱۲۳	گفتگو با سنگ
۱۲۷	سنگ قبر

عشق در نگاه اول

هر دو بر این باورند
که حسی ناگهانی آنها را به هم پیوند داده.
چنین اطمینانی زیباست،
اما تردید زیباتر است.

چون قبلاً همدیگر را نمی‌شناختند،
گمان می‌برند هرگز چیزی میان آنها نبوده.
اما نظر خیابان‌ها، پله‌ها و راهروهایی
که آن دو می‌توانسته‌اند از سال‌ها پیش
از کنار هم گذشته باشند، در این باره چیست؟

دوست داشتم از آنها بپرسم
آیا به یاد نمی‌آورند -
شاید درونِ دری چرخان

روابطِ سرّی با مُرده‌ها

در چه شرایطی خوابِ مرده‌ها را می‌بینی؟
آیا قبل از خواب، زیاد به آنها فکر می‌کنی؟
اول چه کسی ظاهر می‌شود؟
آیا همیشه همان شخص است؟
نام؟ نامِ خانوادگی؟ نامِ گورستان؟ تاریخِ مرگ؟

به چه استناد می‌کنند؟
به آشناییِ قدیم؟ خویشاوندی؟ وطن؟
آیا می‌گویند که از کجا می‌آیند؟
و پشت‌شان به چه کسی بند است؟
غیر از تو چه کسی خوابِ آنها را می‌بیند؟
چهره‌هاشان آیا شبیهِ عکس‌هاشان است؟
آیا به مرورِ زمان پیرتر شده‌اند؟